

که (تماماً بعد و اما فداء حق نفع الحرب اوزارها: الخ) هرگاه نظر بر واقعات آزمون کنیم و جنگ دفاعی را بتصور آوریم می بینیم که تا ویلاوت شاه عیسویان بیایست دور از حقیقت است - و مناسبتی با آیات شریفه و قول پیغمبر ما ندارد - ما اینکه پیغمبر در آن حکمهای دفاعی که هر انسان لابد بصیانت نفس خود است باید همه کارها را بپیرگی و خیرگی کند - و طبیعت غیر از این را بر خود هموار نمیدارد - معذالک امر برح و جوانمردی و فدیہ فرمود

عیسویان را کافر نتوان گفت

علامه فرمود آنچه مظلون و عقیده عمومی می باشد آن است که ما عیسویان را کافر میدانیم محض غلط و غلط محض است - چه کفار را که قرآن به آنها اشاره میکند مراد از طاعنه بت پرستان و مشرکین هر پرستان بوده و نصاری را قرآن مجید ما اهل کتاب خوانده و ما هم قائل بر معصومیت و رسالت مسیح هستیم اگر چه الوهیت او را نپذیریم - و آیه شریفه قران در سوره بقره یعنی سوره مائده شاهد بر این مقام است یعنی آنچه را عقیده پیغمبر بر دین نصاری است میفرماید ( ليجدن اشدالاس عداوة للذين آمنوا اليهود والذين اشركوا ولتجدن و اقرب وودة للذين آمنوا الذين قالوا ان نصاری الخ)

(سرولیم میور) آیات چندی از قرآن که مشتمل بر تحویب پیغمبر بالنسبه بگروه نصاری بود جمع و مطبع کرده بالجمله هرگز توان گفت که مبنای دین اسلام بر تاخت و تاز بوده همین قدر است که در تاخت و تازی مانند سایر ادیان عبور کرده است

آیا صلاحیت دارد که نهمت بندید بدین اسلام و گوئید مبنای آن بر قتل و قتل بوده؟ و حال آنکه هزار و سیصد سال پیش از این پیغمبر با اندکی از پیروان خود با مشرکین خرمخوار رزم و جنگیده و صدق استمرار دین اسلام را برپا داشت - مگر اسکاتلندیان متعاهد شاه با شاه ممتها مخالفت نکردند - و نه همیشه سخنان سخت بالنسبه بدشمنان عیسوی که آنها را

تعماق کرده بود میگفتند؟

آیا تعجب میکنید که بشنوید پیغمبر ما تن رتبهها در میان زمره جاهلید و ظلمه بت پرستان به اصف خود صلاح داده باشد که خود را حفاظت کنید مگر مکه و مکه و حجره بت پرستان گزندی بایشان نرساند - علامه باگرای علاوه بر فقرات فوق لغاره فرمود به آیات و احکام دیگر قرآن که مؤمنین باید بر امانت و استعفاف بت پرستان صبر و شکیبائی را پیشهاد خود سازند - و همین را علامت ایمان برای ایشان قرار داد - حتی در آنستیکه جنگ دفاعی پیش برود مکه ذکر آن در سوره بقره قرآن است - بن امر را بدیشان القا فرمود مکه میفرماید لوما لکم الا تجاهدوا لله الخ)

ای عیسویان باور میکنید

علامه فرمود در مذهب اسلام نیک چیز است که شاه آنها در سایر ادیان نخواهید یافت ( حقیقت و خفته حرکت ) اما پیش شاه عیسویان دین و آیین اسمی است بی مسمی - من در هر خود از صد نفر عیسوی یک نفر را ندیدم که آنچه میگوید عقیده اش هم بر همان قول باشد - اما ما آنچه را میگوئیم همان را عقیده باطنیه خود قرار داده و بر آن عمل میکنیم - هر مسمی را فرض عین است که روزی پنج نوبت بنماز قیام کند اهم از آنکه در سفر - در راه آهن یا کشتی باشد - نباید از خدا شرم کند - چنین می پندارم که همین نکته باعث می باشد مکه اساقفه و واعظین نصاری اشکونه برخلاف ما هستند - چونکه ما در عقیده دینی خود غایت جهت در اعمال به آن داریم - و از همین است که نتوانسته اند درست بر مافایق آئیند و کار را از پیش بردارند

حق آنکه اعظم اساقفه و کشیشان شاه مسلمان ( هایدلبرگ ) را بر فتوحات شاه بر قرا و بیچارگان و فلاخان ( پور ) جنوب آریقا سرودماند - این نکته قابل التفات است که ما جنگ را لابد الوقوع گوئیم - و از آن هیچ چاره نبود - چرا رؤسای روحانی ناپسند

شریک بشوند - اگر دین نصاری منقوب غیر از صلح کل ندارد پس این واقعات چیست ؟ بل وجود همه آنها باز شاخصی این هستند که بنای مذهب اعلام بر جنگ و قتال است ؟ بل متحملترین ادیان تمام عالم اسلام است و هیچ دینی این تحمل و شکیبایی مطلقه اسلامی را ندارد -

در ممالک محروسه عنایه اگر کسی خراج متعارفی خود را بدهد - و فرایض ذمی عرفی خویش را ادا نماید مطلقاً بدون استثناء مذهب و مات حریت و آزادی دارد - با اینکه قانوناً واعظین هر دین و مذهب در تحت حمایت دولت هستند - اگر من بخواهم در این محله (نار وود) اسلام را وعظ نمایم میدانی مردم مرا گرفتار و در تحت حملات و صدمات عوامانه خواهند انداخت - چرا ؟

گفتم - در باره مقدونیا چه میگویند فرمود شك نیست در زمره جهال اسلام مردمان جاهل و متعصب

هستند - چنانچه در جهال عیسویان - چه میگویند در باب سزای خلاف قانون در امریکا فرمود این یکی از اشکال متنوعه تعصب است - من نمیگویم که مسلمانان از نقص خلی و مبر اند - اما این یکی از مسائل غیر منفوره الذنب نیست - مثلاً در مقدونیا حالت سلطان بسیار بجای نازک کشیده و جنان از سلامتی و صیانت نفس خود او را آشفته و آفته کرده اند - می ترسم بگویم نمیتواند در میان قوم جنگجو ضبط و ربط مهم سلطنت درست پردازد - میدانم که اصلاحات لازمه ضرور است و هم میدانم صدمه بر مسلمانان زیاده از عیسویان است - سبب فقدان حکومت مستقله و عدم سویت عدلیه است - در این هنگام علامه بگرامی را بحال خود گذارده روانه شدم چرا که اسلام خیلی گفتندهای وجدانیه زیاده از آنچه ما فهمیده و یافته ایم دارد که بگوید

( ترجمه آقا میرا کاظم نازی از حیدرآباد دکن )

### معادن طلای انگلیسها در افریقای جنوبی

#### افریقای جنوبی طلا دهنده تمام جهان

بکار بردن نخواب در این عمل بلاشبه اسباب انتفاع کلی میگردد - مخصوصاً بصاحبان نخواب و متمولین ایران تکلیف میشود اتیاع اسهام معادن طلای فوق الذکر که عنقریب قیمت آنها ترقی خواهد کرد قیمت اسهام مزبور از طرف کمپانی موسوم به (گلاڈیز پروپرایتاری گلد ماینس کمپانی لیمیتد)

### Gladys Proprietary Gold Mines Company Limited

که در افریقای جنوبی دارای امتیاز عمل طلای آنجا است سهمی هفت قران و دوپست دینار معین شده است

نرخ اسهام مزبوره ترقی خواهد کرد در زمان کار کردن در این معادن الی دو تومان و نه قران و زیاد نخواب این بلیت ها را ممکن است کمپانی رسانیدن بتوسط اداره بانک شاهنشاهی ایران با دوس ذیل (دی سکریٹریز اکیسچج لیمیتد) ۱۶ تکن جوس یارد لندن

The Securities Exchange Limited  
16A, TOKENHOUSE YARD, BANK  
LONDON.

مکتوب یکی از فضلاء ایران

( از شماره ۱۰ )

علی ای حال در ایام صدارت حاجی امین الدوله این شخص و دو نفر دیگر از مجلس ائیر و از مهر ثبت چیزی نیافتند. بلکه رشته ترتیب و تمهید دواثر دولتی را در درجه دیدند که عا قریب در دیوان معدت برای استفاده حقوق و استرداد اموال اهالی احضار و محکوم علیهم واقع خواهند گردید. و علاوه قاعده مسلم است (الباس بامثالهم و اشباههم امیل) نتوانستند خود داری نمایند. از چهار طرف وسایل و وسائط بر انگیخته علماء طهران را به تعطیل حکومت شرعی تهدید و رؤساء دربار و دفتر را شوقف موجب و مقررات صریح بوعید دادند. وجوه نقدیه از طرف امیرالسلطان بدریعه امین الملک در مواقع لازمه باشخاص معینه میرسانیدند. تا اینکه علماء طهران را مهیج و از دربار سلطنت محرك تقاضای تغییر وضع وزارت شدند. چون انفصام دواثر دولتی منظور نظر شخص سلطنت بود تغییر وزارت را مصلحت ندیده این تقاضا مقبول نیفتاد.

آنهاییکه ذره بین حقیقت داشته ملتفت بودند که علت تغافل علماء طهران چه بود. بعضی اسیر اباع و مستمد اقتناع و برخی از خوف تفرق همج رعاع موافقت کرده بالاخره بهلما عتبات طالبات اضمحلال آثار اسلام را در مکاتب خود مسلم شمرده و تقاضای تغییر اوضاع را مقدم فرایض مؤکده نوشتند. علماء عتبات اناراه براهینهم مجالس درس و صلوات به جماعه را مرسوم و موجبات هیجان عمومی را فراهم و تغییر وزارت را مستثات فرمودند

دوات هم محض رفع اختلاف کله که مؤدی بمفاسد کلیه نشود مأمول حضرات را بموعده معین قبول نمود چون در صحاح اخبار سبب ترك اولی بصاحبان بنوات جزیه دیده شده میتوان جسارت و رزیده نسبت ترك اولی در این قضیه بلاء عتبات ادام الله بقاءهم داد. و

ظهور و وقوع بین مفاسد حادثه و خسارات و نطرات وارده بر ملت و دولت را نتیجه آن اجماع شمرد زیرا که بعد از استحضار خاطر مبارک علماء عتبات رضوان الله علیهم از کلیه اوضاع طهران و تکرار وقوع این قسم حادثات و این نوع مکتوبات که بعد الانکشاف خلافتش بوضوح پیوسته ولی این بود قدری تأمل و تحقیق و ملاحظه و استقصا فرموده با علم قطعی در چنین امر مهم اقدام مبرمودند

اگر چه بعد از اطلاع بر اوضاع عتبات و توطن جمعی از ائمه و ارکان مناققین مثل فلان و فلان که دسه از جنود شیاطین را در دواثر حضرات علماء و حجج اسلامیه کثرت الله امثالهم بر انگیخته در صورت از زهاد و اهل وداد و باطنی رب النوع اهل الحاد جای حیرت و استبعاد نیست. - کرمه (ومن حولکم من الاغراب مناققون ومن اهل المدينه سردوا علی النفاق) شاهد حال است. این جماعه نسناس خدا نسناس دین و دنیا را بثن نجس فروخته آراء مبارک حضرات علماء اعلام طیب الله افهامهم را در این موارد مشوب ساخته خسران دنیا و آخرت برای خود حاصل مینمایند

امیدواریم در موقعی که اسم و رسم این مغربین دین و دولت ذکر شود احزاء روزنامه مقدس که از حاة ملت و دولتند از درج اسامی این مناققین محض اعتبار سائین ملاحظه و مضایقه نفرمایند

از مطالب دور نشویم اگر چه جواب اعتراضات تلویحاً داده شد باز بالعصاحه موقوف السماع باید ساحت - هنگامیکه رؤساء و بزرگان از سوء سلوک حکام یا تعدی ظلام یا اندراس آثار اسلام خاطره بارک حجج بالغه را که امت وسط بین حضرت بقیه الله عجل الله فرجه و بین الانامند مستحضر سازند. - حسب تکلیف شرعی کما قال ولی الموالی عایه السلام (وما اخذ الله علی العالمین لا یقرؤا علی کفنه ظالم ولا سغب مظلوم) بحضرت اقدسش تاسی نموده و بواسطه قوا قدسیه که از مقامات و لویه پائنها اعطا شده و نفو



مبحث شده - از موضوع بحث صاحب مکتوبه اولیه خارج است - چه صاحب مکتوب را فریاد از این بود که بر حبه و بی سبب چرا قرض شد - شکایت نشده بود که چرا از خارجه قرض کرده از ملت نگرفته اند - سلمنا درین استراض خطائی رفته باید چشم پوشی کرد - ولی دولتیان حدی برای قرض خود معین نکرده در هرصه دو سال چهل کرور قرض نموده علاوه نیز چند کرور موقتاً بطریق دست گردان از بانک استراضی و شاهنشاهی قرض گرفته و چند کرور هم از حقوق قشون و ارباب و طبقات اینک زمین است - و از چندبست تمام توجه شان این بوده و هست که ثالثاً استراض شود -

اعلانی که در استراض اولیه روزنامه رسمی ایران داده - نزد همه کس موحود است که بصراحت اظهار داشته اند که ازین و بعد دولت ایران محتاج با استراض نخواهد شد - قرضه ثالث هم بشود پس از شش ماه همین آتش در کاسه خواهد بود - خوب است معترض بدوا ظاهر دارد که ملت چه فد بدولت قرض دهد تا از اسارت خارجه نجات یابد -

گذشته بر این ملت بکدام اعتبار بدولت قرض دهد دولتی که در ادای جزئی قسط با صد هزار لیره کبابی (رزی) باندازه تطل و بد حسابی با همسایه مقتدر خود کرد - که مجبوراً برای وصول اقساط پس افتاده خویش توب و سر باز در بوشهر بخاک آورد - چگونه این وجوه کلیه را بملت بزور بیفوت که در حکم امام و عبید واقع اند خواهد پرداخت - شک نیست که ادای این قرضه موجوده بر ملت ایران دشوار نباشد - و محتمل است که اگر رؤسای روحانی بذریعه جرائد ملیه اقدام نمایند ملت در تبدیل این قرضه موجوده محض رفع اسارت خود مستعد شوند - و جرمانه خیانتها و یغما گریهای امین السلطان را بدهند - ولی مشروط بدو امر - اول انحصار قرض - دوم اعتمادی که ملت یقین کند آنچه میدهد بدون توب و سر باز

وصول تواند شد - چه ملت را توب و سربازی نیست و اقتدار حاجه یا دولت هم ندارد - خوب است معترض بجای اینکه تا این پایه القاء شبهه نماید - و حرکات ناشایست خائبن را در انظار عامه نیکو جلوه داده و پرده بروی حرکات نابایست امین السلطان کشد - اقدام بر تکمیل این دو نکته معروضه نماید که لزوم به پرده پوشی نماند

حییا سنگرا بر علت افکنده ندارد آئینه باقه گنجه (۲) معترض بر وقایع نگاران نامه مقدس اعتراض نموده که هماره می نویسند که درین مدت قایل دولت علیه این مبلغ کثیر را بجه مصرف رسانید - ازین رو دست بالا کرده آستین بر کمر زده - با هزار زحمت و حساب سازی که مستوفیان ایران هم از ساختن چنین حساب عاجز اند - سیزده کرور حساب داده در پی سیزده کرور برای اینکه برساند چیزی ازین وجه استراضی بمصارف صحیحه هم رسیده من جمله می نویسند مقداریم اسلحه خریداری شد - این انصاف پسند را اگر شبه کاری مد نظر بود باید نویسد که چند قبضه تفنگ خریداری شد - بجه مبلغ - نمیتوان گفت نگارنده بی اطلاع بود یقیناً از اظهارش شرم نمود - خلاصه گفتگو بر چهل کرور است در صورتیکه تسلیم این حساب برایش را هم نمانیم بیست و هفت کرور دیگر و یا بقول معترض بیست کرور دیگر حسابش کجاست؟

توسم نرسی بکعبه ای اهرابی  
این ره که تو میروی به ترکستان است  
خوب بود اگر معترض حساب میتراشید پیچیده تر ازین بتراشد - تا هرطای را مورد استهزاء و سخریه نگردد - معترض خود تسلیم دارد که تا چهارده سال قبل دولت علیه ابرازاً هیچگونه قرض داخلی و خارجی نبود و اداره امور دولت هم با منتسای خوبی بدون شکایت احدی میگشت - عاقبت مسئله (رزی) را علت استراض می شمارد - آیا رزی را غیر از امین السلطان کسی باعث بود؟ از هر طرف نظر شود تمام خرابیها از او بوده و هست و خواهد بود - خماره (رزی) بانصد

هزار لیره پیش نبود که در آن زمان به سه کرور و نیم تومان نمیرسید. ادای آن و حصول این قرض از داخله چندان دشوار نبود و ابداهمیت نداشت - علاوه با اینکه از آن و بعد همه ساله بر دخل دولت افزود - علت چه شد که دولتیان بمعاذت لئو رژی عمل ننموده این جزئی قسط حکه ابداً قابل ذکر نبود و پرداختند - تا کار منجر بآن شود که دولت انگلیس قوب و سرباز در بو شهر بھاک آورد - آیا این همه خرابیها را امین السلطان باعث نبود ؟ آیا میتوان گفت در این احوال بیت او خالص بود است ؟ بانصد هزار لیره قرض که باقسط جزئی بمته شده بود کار را بجائی کشانید که قوه جبریه پیش آمد - نمیدانم چهل کرور قرضه روس تا هفتاد و بھال چه نتیجه برای ملت و دولت خواهد بخشید - بچاره صاحب مکتوب که فریاد از اسارت ملت زده بواسطه همین تکلیف است که خود معترض بیان کرده است - در حساب تراشی سیزده کرور من جمله استراضهای تازه از بنگ روس و بنگ شاهنشاهی و تجار داخله را نموده ولی ابداً ذکر نمیکند این وجوه که گرفته شد بکدام مصرف رسید ؟ آیا کدام يك از دخل دولت کم شده بود که بمجرد رحلت شاه شهید پنج کرور قرضه رژی به سیزده کرور کشید ؟ با اینکه ذات اقدس شاهانه بمجرد ورود طهران سه کرور مصارف حرم شاه را کم کرد - و مبلنی هم از جنین ورود مؤتب شاهانه بطهران بر دخل دولت افزود - چرا و بجهت باید مواجب قشون و وظائف ارباب حقوق چهار سال عقب ماند ؟ اگر بر تعمیرات ملکی و یا قوای عسکری افزوده شده چرا معترض برای اثبات تقاضای خود بیان فرمود ؟ اگر از دخل دولت کاسته و یا مالیاتی لاوصول مانده چرا نباید به نگاره ؟ فقط صاحب مکتوب اعتراض بر این نکات داشت - واقعا معترض خیلی الصاف بخرج داده جای دارد چنین منصفی دیگران را مغرض قلم دهد - نمیدانم معترض دانا نزد وجدان خود از نگارش این صورت

حساب خجالت نکشید ؟ و ابداً ملاحظه این نکته را فرمود که دانشمندان بر این عنوان خواهند خندید ؟ چه قدر بیاصافی است که بعد از این همه خرابیها اندک که حس ملیت ایرانیان متحرک شده باین سخنان مغرض آمیز باز بمخواهیم ملت را بی حس نمایم - آن زمانیکه ملت از دستگاه دولت بر اطلاع بود و هرگاه گوینده چنین سخنان مغالطه کارانه میسرود بعضی از جهال تصدیقش می نمود گذشت - امروز بالغ بر يك ثلث رجال ایرانی خارجه را دیده - و زیاده بر دویست هزار نفوس ایرانیه در خارجه و داخله تعلیم و تربیت یافته - چشم و کوششان بار شده سخن صحیح را از سقیم تمیز نمیتوانند داد - پس است این خود مغرضها ا کافی است این مغالطه کاریها ! بخدا قسم تمام شدیم - بر باد شدیم - هیچ از حشمت و قوت و اقتدار ماق و دولتی ایران باقی مانده - نزدیک است شیرازه ملیت ما از هم بگسلد - یقیناً پس از بانصد سال دیگر هم اختلاف ما دو باره استقلالی را که اسلافشان از دست داده حاصل نتوانند نمود - اگر بر نوع خود رحم نمیکنید بر خود رحم آید - اگر بر اولاد وطن نمی بخشاید بر پاره های حکم خود یعنی فرزندان خویش به بخشاید - از این مغالطه کاریها حشمت دولت و استهلال ملت ما با موی آویخته شده - اینقدر خاطر مبحث نکنید و در مغالطه نه پیچید تا این موی هم بگسلد - وعانند یهود و آرامنه بلکه خفیف تر با منتهای ذلت و غایت عبودیت زندگانی نمایم ( باقی دارد )

مکتوب از نجف اشرف

شعبان ۱۳۲۱

چند سال است دولت علیه عثمانی عمارت مشاهده متبرکه را با ایرانیان اجازه نمیدهد - اطرافین حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام کاشی هایش ریخته دولت علیه عثمانیه خود میخواهد بر میم نماید و هر طرف را که تعمیر میکند مهر طغرای حمیدی را بعلامت اینکه از عمارات دولتی است به یادگار میگذارد -



مکتوب بوشهر

۱۴ رمضان المبارک ۱۳۲۱

رئیس مؤیدالاسلام - خدایت در پناه خویش دارد -  
حق این است اگر رجال دولت پیروی از خیالات  
ملك آرا و پیشین گوئیهای غیب نهای حضرت نموده  
بودند - خوشبختیهای گونه گونه تا امروز ملت و دولت  
ایران بخی نموده بود - افسوس در دربار دولت علیه  
اثرات قیامت نمودار و هرکس بفریاد و انفسا گرفتار است  
مهاجرت فرما فرمای هند (لاردر کرزن) و کدورت  
دولت علیه از ایشان یا برعکس - و بخشاک نیامدندشان  
در بوشهر نقل مرجهل و مجلس - و هرکس بخمال خود  
درین معنی سخن سراید - ولی غالب از عات مکنونه  
این مسافرت و نکته حقیقی این کدورت هم ازین طرف  
یا آن طرف خارج بحث مینمایند

رعایای دولت انگلیس بمسجد (کل حزب بالدهیم  
فرعون) میگوبند که (لاردر کرزن) از روی دانش و  
سیاست عمل کرده مقام ارجند خویش را نگاهداشت - و  
دعب و هیبت دولت انگلیس را ازین حرکت در دربار  
ایران و اهالی برهبر و خلیج فارس زیاد نمود - و - و -  
جایی می پندارند که (لاردر کرزن) برخلاف سیاست  
عمل نموده بی سبب دولت دوستی را که از او توقع  
هزلیان گونه جاب فائده دارد مکرر ساخت - و پلتیک  
انگلیس را که میخواست دوباره در ایران نفوذ و قوت  
حاصل نماید باز سالهای دراز عقب و سدها فرسنگ  
رقیب جویش را جلو انداخت - دور نیست این خطای  
پلتیک (لاردر کرزن) که مضارش در آینده عاید بدولت و  
ملت انگلیس تصور میشود عنقریب در شورای انگلستان  
موضوع بحث شده و از لاردر کرزن و سفیر ایران  
جواب طلب نمایند

شبه ذمه بر این آند که فرما فرمای هند مسافرت خلیج -  
قاریه را برای برهم زدن با ایران اختیار کرد - چه  
یکی از مقاصد عمده ایشان شامل ساختن ممالک و مشایخ  
ساحل جنوب تحت حکومت هند بود و این نکته نادوستی

دولت ایران منافات تامه داشت - و میدانست بخودی  
خود و بدون کدورت - دولت ایران رضا بدین معنی نتواند  
داد - لذا خواست قبل از آنیکه دولت ایران شخصاً  
مقتدر به مخانت شود - و یا رفبای دولت مشارالیه مثل  
روس و فرانس و عثمانی را در - و ساحل عرب و آن نواح  
رسوخیت و قوت تامه حاصل آید - مقصد خویش نائل  
گردد - بمباره اخیری عمدا این عمل را اختیار نموده است نه  
از روی سهو و خطا - این سخن تا درجه بصواب نزدیک  
مینماید - چه فرما فرمای هند قبل از آنیکه به (شارجه) رود  
و دربار نماید و در نطق خود علانیه حقیقت خویش را  
بر ساحل عرب و سیال خود را در شمولیت آن  
نواح تحت حکومت هند طاهر دارد - سلوآنیکه با (سالار  
معمظم) حکمران بنادر و جزائر خلیج فارس در بندر  
عباس اختیار نمود صاف این نکته را ظاهر میداشت -  
(سالار معمظم) علاوه بر این که شخصاً یکی از امرای و رجال  
مختم دربار ایران و حکمران کل بنادر و جزائر خلیج  
فارس میباشد - بسمت نمایندگی فوق العاده دولت علیه  
ایران برای پذیرائی این مهمان مختم از بندر بوشهر با  
جهاز جنگی به عباسی آمده و فرما فرمای را پذیرائی کرده  
ملاقات نموده از جانب دولت تبریک ورود گفت - با اینکه  
علی الرسم و مطابق پروضام پذیرائی فرما فرمای را لازم  
بود بخشاک آمده و یا در جهاز پرسپلیس ایشان را بازدید  
نماید اغراض شده فقط وزیر خارجه هند و سفیر ایران  
را به بازدید فرستاد - و این نکته در حقیقت خود  
توهینی بزرگ از دولت ایران بود - و حال آنکه لاردر  
کرزن در مسقط و بحرین و کویت و غیره مشایخ را  
که مقام و مرتبه شان خیلی نازل تر از سالار معمظم بود  
شخصاً بازدید نمود

رواقمان حقوق بین الدول این نکته پوشیده نیست که  
بسلطین اعظم از نفوی و ضعیف - کوچک و بزرگ در احترامات  
شخصیه و نوعیه درجه مساوات را دارند - و همان حکم  
در ماده نمایندگان آنها نیز می رود - تسلیم داریم که فرما فرمای  
آمد عهده میباشد بسیار جلیل و بزرگ ولی لاشعاً در

نموده و قول سطره شخص ایشان جز به فرما فرمای بیعت  
 شناخته میشوند. اگر این مسئله از مسلمات حقوق بین  
 الملل نبود هر آینه نباید پادشاه جلیل القدر انگلستان  
 بالمساوات با پادشاه یونان و ... نهارک و امثالهم سلوک نموده  
 به تساوی دید و بار دید نمایند. پس ازین رو ظاهر  
 میشود که از ابتدا وضع سلوک فرما فرمای هند با نمایندگی  
 جلیل القدر ایران (سالار معظم) مبنای برکدورت بود.  
 بعد از آنکه فرما فرمای هند در بندر (شارجه)  
 دربار نمود. و نطق داد و صراحتاً بیان کرد که  
 حکومت مشایخ سواحل عرب را تحت حکومت هند  
 قرار خواهد داد. در دربار ایران و لوله امتداد چه  
 تاکنون دولت ایران مشایخ سواحل عرب را خود سر  
 تسلیم نموده. و دولت انگلیس نیز روابط خویش را  
 برایشان سیاسی جلوه نداده تجارتی مینمود. چون نطق  
 فرما فرمای یک مرتبه حقوق ایران را در ساحل عرب  
 پایمال و ضایع میکرد رجال دربار ایران متنبه شدند  
 از طرف دیگر گویا سفیر روس در طهران  
 حسب الایمان دولت متبوعه خود دربار ایران را اطلاع  
 داد که اگر دولت ایران تسلیم دطاوی دولت انگلیس  
 را در ساحل عرب نماید چون آن سواحل حق ایران  
 شناخته شده. ما نیز از سایر سواحلیکه در قبضه ایران  
 است همان قسم استملاکات را خواهیم خواست ~~حکومت~~  
 بدولت انگلیس اعطا شده  
 چنانچه بعد از نطق فرما فرمای هند در بندر  
 (شارجه) روزنامه (نیوریمیسا) که زبان وزارت  
 خارج روس شناخته میشود بکنایه و صراحت این عنوان  
 را موضوع بحث ساخت  
 از آن بعد که فرما فرمای هند در بندر لنگه آمده  
 در مجلسیکه جام صحت اعلیحضرت شاهنشاه ایران را  
 تجویز نمود بحسن کلام خواست تا درجه این کمورت  
 را رفع نماید. ولی مسلم است که رفع این کمورت در  
 صورتی تواند شد که فرما فرمای هند از خیالات مکتوبه  
 خود صرف نظر نماید

مايه تمدن این بوه و هکت. بخلاف نمایانند لاردرگزرن  
 در بوشهر همین. ولی ظاهراً سبب این شکست که باید  
 علامت الدوله سردار و فرما فرمای فارس که بحسب خواستش  
 سفیر انگلیس برای پذیرائی فرما فرمای هند از شیراز  
 بوشهر آمده برخلاف برو فرمای که سفیر انگلیس فرستاد  
 خط رسی خود قبول کرده در کشتی رفته لاردرگزرن  
 را بساحل آرد. چون در بندر لنگه نیز فرما فرمای  
 برخلاف برو فرمای عمل نموده بحدک نیامده و شخصاً  
 ابرید از نایب الحکومه نمود و سفیر ایران را از طرف  
 خود به بار دید فرستاد موث حیال گردید و بدینستجه  
 با خواست های گونه گونه تلگرافی سفیر انگلیس گویا  
 از طهران علامت الدوله را اجزه در رفتن به ~~حکومت~~  
 ترسید. و فرما فرمای هم بهمین بهانه در بوشهر بخلاف  
 نیامد. ولی حیثیت اسر همان طلق (شارجه) و سبب  
 تکرر دولت ایران یا لاردرگزرن همان خیالات فرما فرمای  
 هند در ساحل عرب بود  
 گروهی میسرانند ~~حکومت~~ فرما فرمای هند در این  
 مسافرت مقصی المرام نتواند شد. و رفتن و رفتن پیچیدگیهای  
 بیچ پیچ پیش خواهد آمد  
 شرمه را عمیبه این است که چون دولت روس  
 امروز در اقصای شرق دوچار است قبل از آنیکه  
 پیچیدگی در حلیج فارس و ساحل عرب پیدا شود  
 حکومت هند بمقاصد خود نائل تواند گردید  
 دانشمندان با سیاست مقاصد لاردرگزرن را در  
 حلیج فارس مضر بحال دولین ایران و انگلیس محسوس  
 نموده میگویند. فرضاً دولت ایران در الحاق حقوق حقوق  
 حاضر مانده از مدامه باز آید. لابد دولت روس نیز  
 بقوه جبریه در حلیج فارس معاوضه بحمل انگلیس خواهد  
 طلب خواهد نمود. در صورت عجز ایران بدون ~~حکومت~~  
 تسلیم خواهد شد. آنوقت آنچه را ~~حکومت~~ دولت  
 انگلیس قرنهای از نرسان میباشند دوچار خواهد  
 گردید. یعنی همسایگی و امتنان با روس را ~~حکومت~~  
 مسلم است این واقعه مهم برای ایران و هم برای

انگلیس نیکو نیت نباشد. آمین چه سازد جنگ روس در خلیج فارس و اقامت آن در آن دریا مقدمه همین خیال است. عنقریب روس هم بمقامی را میل بقتل و پندار چپاس برای تبار فظال از ایران خواهد خواست چون دعوی دولت روس تسلیم شود از اقصای غرب دیده خواهد شد دولت آلمان سر بلند کرده کشتی جنگی خود را کسبل داشته علناً خواهد گفت (مارا هم ازین نمذ کلاهی) آلمان را نیز در ایران حقوقی تجارتی مسلم است - آن گونه مراعاتی که در حق دولین روسی و انگلیس شده باید درباره من نیز مرعی گردد. همان قسم فرانس و آستریا - جندی نگذرد که قصبه چین در سواحل ایران زمین کشیده شود. و آنچه را جناب مؤیدالاسلام برای ایفاظ رجال دولت ایران در عنوان خلیج فارس یازده سال قبل نگاشته بود بمنصبه ظهور رسد

آنچه بیند قائل اندر خشت خام

می بیند حامل اندر آینه

این صورت مذکوره که حتی الوقوع است ابداً دولین انگلیس و ایران را مفید تصور نتواند شد - گویا (لارد کرزن) دید در این ایام دولت ایران مائل با اتحاد انگلیس و خواهش دارد در بازار صرافی لندن استقراضی جدید حاصل نماید و روسهم در اقصای شرق مشغول ما بیرون است چنان تصور کرده که بدون صدا بمرکب مقصود سوار تواند شد. ولی نتیجه برعکس بخشید دولت ایران محض حفظ حقوق خود و جلوگیری از دست اندازی نفول دیگر با اسم معاوضه باثل در خلیج فارس صاف انکار شمولیت سواحل عرب را تحت حکومت هند نموده بک مرتبه نقشه مسافرت فرما فرطاً را منقلب ساخت آنچه ذکر شد همه واقعاتیست که بظهور پیوست چیزی که محسوس گفتگو میباشد فقط این است که این مناقشه بکجا منجر خواهد شد؟ آیا این ایران و انگلیس زاید بر این نزودت پیدا شده و کار بمشاحره و استعمال قوای تجزیه نخواهند کشید؟ و یا صورت دیگر پیش

خواهد آمد ؟

جاعتی را عقیده بر آن است که مثلاً سرپوش روی این معامله گذارده شده هم دولت ایران ساکت خواهد ماند و هم حکومت هند در پیشرفت مقاصد خود تأمل خواهد کرد - تا هر یک را موقعی نیکو تر از این بجهت آمده در پیش رفت مقاصد خویش سعی نمایند

فرقه بر این اند که از اطلاق فرمانفرمای هند در بندر (بانی) چنان مترشح است که لارد کرزن مسئله سرحد بندی (مکران) را دوبار پیش کرده در آن مسئله قسمی دولت ایران را دوجار مشکلات خواهد نمود که بیصدا مقاصد حکومت هند را در سواحل عرب تسلیم نماید گروهی میسر اینند که حکومت هند از روی مصاحبت که مورد تصرف خارجه در این سواحل نشود از شمولیت ساحل عرب تحت حکومت هند چشم پوشی نموده دولت ایران را راضی خواهد نمود که آزادی مشایخ آن نواح را همین حالت موجوده تسلیم نماید و سرپرستی شان را ایران و انگلیس بوام بنمایند

همی چنین می پندارند که دولت ایران در صد اصلاح و عماره سرحدات لازمه و مرمت قلعه هرمن و غیره برآمده بیست فوج قشون در سرحدات خلیج فارس ساخلو گذارده تا از دست برد بی هنگام غنیم سواحل خود را فوری تواند محفوظ داشت - آنگاه دعوی خویش را در ساحل عرب رسمی نموده بتلاقی نخواهد انداخت

شرفه می پندارند برای ایران این شق از جمیع حقوق اصلح است - ولی گمان عبود که دولت انگلیس مخودی خود در انداختن این دعوی بحکمیت و نالی رضا دهد - چه نیکو داند حقوق ایران در نالی ثابت شود - علاوه دولت انگلیس سالم است سواحل عرب را حق طلق خود شمرده قوه بحری او نیز بسرچید کمال است چون رجوع به نالی را مضر بحالی خود میداند این مناقشه را منجر باهور تا گوار دیگر نخواهد نمود

بقية تلکرافات

( ۲۸ رمضان - ۱۸ دسمبر )

§ شش هراة توب سریع الشلیک از کارخانه ( کرب )  
وارد اسلامبول شد . بقية نوبهای فرمایشی با عالی نیز  
عنقریب خواهد رسید

§ بیست و سه نفر ~~که~~ بعضی از اصحاب پارلمان  
انگلستان اند قبول شرکت در کبسیون چهارین را  
نموده اند

§ آنچه در لندن اجوبه روس بزایون که در تاریخ  
دوازدهم رسیده شهرت دارد جواب معاملات مختصره  
بوده - و در باب اجوبه مطالب مهمه مخبره سینه‌بند

§ مخبر ( روتر ) از ( توکیو ) خبر میدهد که سه  
ساعت کامل مدبرین ژاپون درباره اجوبه روس بحث  
نموده مما قریب مجلس دیگر نیز منعقد شده بحث کرده  
معاملات متنازع به را باصلاح انجام خواهد داد

§ (سرفریدرک باردن) که از انگلند بجواب (کنیدا)  
برفت با (امبریل دفنس کیتی) ملاقی شده من باب  
ترقی قشون کنیدا و تعامیم آنان بحث نموده که دسته از  
قشون (کنیدا) را در هند برای تعامیم و مشق  
بفرستند ضمناً نیز در بسیاری از معاملات بحث شده است  
( ۲۸ رمضان - ۱۸ دسمبر )

§ فهرستی که از همجیدان مستر جبراین اشاعت یافته  
ظاهر میدارد که تمام سر بر آوردگان نجار باوی همخیال  
شده‌اند و (مستر ویلیم آر برت) را که یکی از مجلین  
مدرسه شاهی است رئیس بر این مبحث قرار داده -  
جمیع اخبارات می نویسند چنین (کبسیون) بر قولی  
در معاملات تجارتی تاکنون در انگلستان قائم  
نشده است

§ اخبار (استندرد) مینویسد نقشه ~~که~~ مهتر  
جبراین در پیش رفت مقاصد خود کشیدم در حقیقت  
دعوت اهالی است در جنگ با دولت و پارلمان و  
حکومت جلوگیری این مراتب در این گونه یطرقاً و  
مجلسها از وظائف مستر بلفور است

تبریک

انعاماً تبلی بر طایفه مسلمین خاصه بر مشرکین  
محترم جبل‌التین ابن عبید سعید فرخنده و مبارکباد

جاعتی همچو میدانند که اگر دولت ایران بطرح  
خویش را از روی سیاست و قواعد حقوق بین‌الملل  
مدلانہ رسماً به مجلس حکمیت ( لای ) پیش کند در آن  
صورت دولت انگلیس از حکم ثالث نمیتواند سرپیچی  
نمود - چه دولتین ایران و انگلیس هر دو تسلیم قوانین  
مرتبۀ مجلس حکمیت را نموده‌اند - نهایت باید با شرایط  
و قواعد آن عمل نمود - در آن صورت اگر دولت  
انگلیس از رجوع این دعوی بمجلس حکمیت ابا و امتناع  
نماید و شرق دست بخواهد بمقاصد یک مد نظر داد  
نائل شود دیگران در جواب او مستعد تر از دولت  
ایران خواهند گردید

اینها که نگاشته آمد همه ظنیات است فقط چیزی که  
ثبوت پیوسته اعتراض دولت ایران من باب - حولیت  
ساحل عرب تحت حکومت مد - و تکدر (لارد کررن)  
و بخاک سیامدشان در پوشهر است - نتیجه اعتراض  
ایران بکجا منحصر شود معلوم نیست

مصافی عنوان اخیره همانا تلکرافی است که وقایع  
نگار روزنامه (بانبر) تاریخ یازدهم دسمبر از لندن زده  
وقایع نگار موصوف خبر میدهد که یکی ارسیا - بون که  
نام خود را محفوظ داشته با مدیر اخبار (انگلبر) در  
پاریس ملاقات نموده اظهار داشته است که مسافرت  
لارد کرزن فرمانفرمای هند در خلیج فارس و نقده  
که برای پیشقدمی در تبت کشیده مانند نقشه میباشد که  
روس در منچوریا ریخته مفید بلکه جواب از آن است -  
دولت انگلیس خیال دارد که ساحل شرقی عرب را  
تحت حکومت هند قرار دهد - ازین رو دولت ایران  
معرض شده و مسافرت (لارد کررن) را در خلیج  
فارس به نظر دوستانه ملاحظه نمی‌نماید - دولت انگلیس  
را اراده بر آن است که در معاملات تبت رسماً با دولت  
روس مخبره نماید

روزنامه رورانه ( اخبار عام ) می‌نویسد دولت  
ایران که در مسافرت فرمانفرمای هند بسر مهری پیش  
آمده و غصه و غضب بر او طاری گشته بواسطه آن است  
که دولت انگلیس سواحل شرقی عربستان را مثل  
هندوستان میخواهد در زیر سایه خود آورد دولت  
ایران این امر را هرگز گوارا نمیتواند نمود  
صلح خواه ( م - ع - ح )

حبل المتین کلکته

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیه امور اداره

بمدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

(آقا محمد جواد شیرازی است)

هر دوشنبه طبع

هر سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

(۸ شوال ۱۳۲۱ هجری)

مصادف

روزنامه مقدس

قیمت اشتراك

(سالانه - شش ماهه

هند - و برمه

۱۲ روپه - ۷ روپه

ایران - افغانستان

(۵۰ قران - ۳۰ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا و چین

(۳۰ فرنک - ۱۷ فرنک)

# حبل المتین

سنة ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

روس - و ترکستان

۲۱ دسمبر ۱۹۰۳ میلادی (خریداران نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نمایند) (۱۰ منات - ۶ منات

در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود  
چون مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

## فهرست مندرجات

انا لله و انا اليه راجعون \* تلکرافات \* مکتوب از  
انزلی \* تقریظ \* لطف استبداد \* مکتوب از  
اسلامبول \* تقریظ \* مکتوب از بوشهر \* مکتوب  
یکی از فضلاء \* مکتوب از مصر \* مکتوب از  
اسلامبول \* مکتوب \* معادن طلای انگلیسها در  
افریقای جنوبی \* شیراز \* بوشهر \* مکتوب کربلای  
معلی \* غمنازی مورث بدبختی ملت و دولت میگردد \*  
مکتوب از عراق عرب \* حبل المتین \* پذیرائی فرمانفرمای  
هند در خلیج فارس \* مکتوب طهران \* کاسه  
انا لله و انا اليه راجعون

جناب مستطاب حاجی میرزا هاشم آقا امام جمعه  
اصفهان که محترم ترین خانواده و عمده سادات ایران و  
از اجله علمای اعلام و قریباست ریاست عمومی شرعیه  
اصفهان با این سلسله - و علی خیر و بذال و متدین  
و متقی و حق شناس بود - ششم شهر رمضان المبارک  
سنة (۱۳۲۱) بفتنا این جهان فانی را وداع و برحمت  
مافی پیوست رحمت الله علیه رحمت واسعه

در تشییع جنازه طامه اهالی اصفهان حاضر و  
سه روز باحترام آن مرحوم تمام بازارها را بسته مشغول  
مامداری و فاتحه خوانی بودند

## تلکرافات

( ۲۸ رمضان - ۱۸ دسمبر )

دولت آنازونی دسته از کشتیهای جنگی خود را  
بجانب ( دارین ) و دریای ( سنتی گراز ) حرکت  
و بسرکوبی باغیان آورده است

کسانی ضامن الحیات ( بیمه عمر ) در ژاپون  
بواسطه خوف جنگ اقصای شرق نرخ نهانت هم را  
در صد یغما اضافه نموده است - ولی از پتربرگ

اخبارات تسلی بخش برخلاف جنگ میرسد  
( ۲۹ رمضان - ۱۹ دسمبر )

بموجب تلگرافیکه باخبر استندرد از ( توکیو )  
رسیده از اجوبه که روس در جواب اعتراضات ژاپون  
داده چنان استنباط میشود که دعوی ژاپون را بلاصالحه  
قبول نموده - اگر چنین باشد و دولت روس دماوی  
ژاپون را تسلیم نماید - طاقت این مشاجره بچنگ  
خواهد شد

§ تلگرافیکه از (بیرنا) رسیده ظاهر میدارد که کشتی جنگی (آ-ایسای - و سیو. رورا - و متریا دانسکی) و پنج کشتیهای موشک با شش کشتی دیگر تحت فرمان ابرالبحر (۱۰۰ یانس) بجانب اقصای شرق حرکت نمودند § سفارت روس بطریق نیم رسمی از دولت ژاپون خواستش نموده که تدارکات امنیت را بذریعہ رجال غیر دیپلماتی به نمایند

§ در مجلس شورای فرانس (کامپس) مسوده قانونی پیش نموده که کشیشارا هیچ گونه تصرف در امور تعلیم عامه نخواهد بود - و هر يك از آنها تصرف نمایند ملزم قرار خواهند یافت

§ در سفارت خانه ژاپون در لندن جماعتی از محترمین و معززین و جنرلهای انگلستان خواهش نموده اند که هرگاه بین دولتی ژاپون و روس جنگ پیش آید آنها را بخدمت اعزاز و افتخاری قبول نمایند - سفیر ژاپون جواب داده که مطابق قانون جنگی ژاپون نمیتواند از اجاب خدمات لشکری را قبول نماید

§ در واشنگتن تازه مقاله نامه تجارتي بین دولتیین انازونی و چین رد و بدل شده است

§ مستر (تهدوناکس) اعضای شورای یرمان را از بو منتخب نمود

( ۳۰ رمضان - ۲۰ دسمبر )

§ دولت ژاپون در (نیویارک) انتظام استقراضی جدید برای جنگ با روس مینماید

§ دولت روس سعی بحصول استقراضی در آلمان میباشد هنوز مقصی المرام نشده است

§ افواه است که چون سفارت روس مستر (روسن) علیل است - در فرستادن جواب بدربار ژاپون تعویق روی داده ولی همین دو سه روزه جواب داده خواهد شد

§ جماعتی را عقیده بر این است که جنگ بین ژاپون و روس حتی الوقوع میباشد - روسها از مسلك خود منحرف نمیشوند - ژاپون نیز دولت روس را

نمیگذارد که درمخابرات فقط کار را به تعطیل بگذراند § سفیر دولت انگلیس مقیم (بیکن) خبر میدهد که جنگ دولتیین ژاپون و انگلیس حتی الوقوع است - ولی این نکته قابل اعتناء نیست که دولت ژاپون آخرین خط اتهام ححت (القی مینم) بدولت روس داده است یا نه § بابعالی حکومت (الکزندریته) را امر نموده که از قونسل امریکا معذرت بخواهد

( غره شوال - ۲۱ دسمبر )

§ دولت ژاپون منتظر جوابست که از دولت روس بیاید و از آن بعد نیز مخابرات جاری خواهد بود

§ وزیر خارجه دولت ژاپون (بارن کسوره) با سفیر دولت روس در حین ملاقات اصرار نموده است که مذاقه در بعضی نکات متنازع فیه به نماید

§ شصت نفر مهندسین جنگی ژاپون بکوریا فرستاده اند که تهیه تلگراف ژاپون و کوریا را به نمایند § اخبارات انگلیسی مینویسند که از قرائن چند استنباط میشود که طاقت دولت انگلیس در جنگ روس و ژاپون شمولیت با ژاپونرا لازم شمارد

§ روزنامه (مارنگ پست) را عقیده بر این است که دولت انگلیس را لازم میباشد تهیه و تدارک جنگ را قبل از وقت به بیند - چه اگر دولتیین روس و ژاپون بهم اوقتند دولت انگلیس را تکالیف شاقه و وظائف مشكله پیش خواهد آمد

§ روزنامه (دیلی کرانیکل) مینویسد که دولت روس از حرکات خود دولت ژاپون را مجبور بجنگ می نماید § روزنامه (دیلی تلگراف) بموجب تلگرافیکه از بندر (آرتهر) یافته مینویسد که ظاهرا در این موسم بین دولتیین ژاپون و روس جنگ نشود - ولی طرفین تدارکات لازمه را داده و مستعد بیکارند - دولت روس قوای جنگی بری و بحری خودرا در اقصای شرق زیاد می نماید -

ولی در شمالی (هاربن) عده قشون او کم است § در (ناگاسکی) دولت ژاپون اردوی موجوده خودرا حکم داده که مستعد جنگ باشند

§ (لارڈ جارج هلتن) از همراهی بمقاسد و همراهی  
با (لارڈ بلفور) انکار نموده

( ۲ شوال - ۲۲ دسمبر )

§ کپانی (ایبالد) نرخ صہانت حیات را کہ در صدی  
نچاه اضافه نموده بود ده فیصد تخفیف داده است  
§ دلی تلگراف از (ناگاسکی) خبر یافته کہ دولت  
ژاپون حکم بہ تعمیر و مرمت جہازات جنگی داده و  
در تہیہ و تدارک مرمت جہازات اشتغال دارد

§ در پاریس افواہ است کہ دولتین انگلیس و فرانس  
منتقاً دربارہ رفع اختلافات ژاپون و روس سعی اند

§ وزارت خارجہ روس اطمینان داده است کہ  
اختلاف ژاپون و روس بچنگ نخواهد کشید

§ اعضای شورای ترانسوال کیسیون خاصی مقرر  
کرده اند کہ در مادہ تجارت آسیا بنور و تأمل  
ملاحظہ نمایند

§ روزنامہ (نیورویا) مینویسد کہ پیشقدمی دولت  
انگلیس در (تبت) تہدید بدولت روس در  
وسط آسیا میباشد - ازین رو روس را محک است  
کہ کاشغر و یارقند و کلاجا را تحت حمایت خود  
اعلان دہد

§ بواسطہ سزائیکہ بمجرمین بلوای (کشنیف) داده  
اند اہالی را جوش مخالفت تازه شدہ است - یکنفر را  
ہفت سال و دیگری را پنج و (۲۲) نفر را یکسال  
محکوم بحبس نموده اند در ملزمین دوازده نفر بیقصور  
تہت شدہ اند

( ۳ شوال - ۲۳ دسمبر )

§ بزایونہای مقیم لندن هیچ خبریکہ جنگ  
حتی الوقوع باشد نرسیدہ - ولی ہمہ روزہ بیچندگی بین  
روس و ژاپون زیاد شدہ مورث قصان تجارت میگردہ  
§ تاکنون تحقیق نشدہ کہ ژاپونہای مقیم لندن را  
حکم بہ استعداد و تہیہ برای مراجعت بوطن خویش  
رسیدہ باشد

§ کپنی جہازات (بین پوشان کیشا) در ژاپون

اظہارداشتہ کہ اگر جنگ حتی الوقوع بود لابد  
کشتی های او را دولت ژاپون ضرورت داشت

§ دولت ژاپون ارادہ خرید دو فروند کشتی های  
جنگی داشت و خواہش نموده بود کہ قیمت را  
باقداط پردازد - دولت روس خودی درہ بیان انداختہ  
( ۱۸۰۰۰۰ ) دالر قیمت آنرا طی کرد کہ بیست و  
چہار ساعت بہ پردازد - دولت انگلیس برای فائزہ ژاپون  
فوراً جہازات مزبورہ را خریداری کرد

§ سفیر ژاپون مقیم دربار انگلیس از همراهیایک  
امالی انگلستان در شمولیت بہ قشون ژاپون نموده  
اظہار تشکر کردہ بیان نموده است کہ بنفسہ میچگونہ  
جوابی نتواند داد و همان عنوانہا کہ سابق اظہار  
داستہ تحدید مینہاید

§ رو. نامہ (دیلی میل) از شنگائی خبر یافته کہ  
دولت ژاپون امر بساختن ده کشتی جنگی کہ قوہ ہریک  
... ہزار تن باشد داده است

§ ایضاً اخبار مذکور از (کوپ) خبر میدہد کہ  
ہفت کشتی جنگی را دولت ژاپون امر بہ تعمیر دادہ -  
بعضی را در (اوجینا) و برخی را در (سایبو)

§ در (پیکن) خبر رسیدہ کہ بیست و پنج کشتی جنگی  
( پتر فیلا - وسوارس ) برای سکار جنگ بہ ژاپون  
حوالہ داده است

§ بن اہالی آلمان افواہ است کہ دولت روس در  
بازار صرافان برلن برای استقراض بیست میلیون استرلنگ  
سعی است

§ از (توکیو) تردید نموده اند استقراضی را کہ دولت  
ژاپون از امریکا خواستگار شدہ - و چنان ظاہر داشتہ  
کہ دولت ژاپون را چون خزینہ مملو است احتیاج بقرض  
جدید ندارد

§ مخبر روتر از (توکیو) خبر میدہد کہ دولت ژاپون  
کلیہ تدارکات جنگ را از مہبات لشکر وغیرہ دیدہ  
فقط انتظار جواب دولت روس را دارد

§ بموجب خبریکہ از کوریا رسیدہ در (مکفو - ونامک)

حرکت سکرده در (جدیان) که سی و هشت میل (بدوان) است دو هزار نفر بیروان ملای سوماتی بر آنها حمله نموده هشت نفر شان قتل و صد نفر شان مجروح گردیده از قشون انگلیسی دو نفر مجروح و یک نفر مفقودالجز است

(ششم شوال - ۲۶ دسمبر)

§ معاهده حکمیت بین ایتالیا و فرانس بصره رسید  
§ دولت انگلیس رسماً آزادی امارت جمهوری پتاما را تسلیم نمود

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که در مهمانی نیم رسمی وزیر خارجه سابق روس با منتهای اسف بیان نمود که دولت روس موقع را ملاحظه نه نموده رعابارا شریک و مؤید دولت قرار نداده است - و امید ظاهر نموده که اگر جنگ پیش آید رعایا در تأیید دولت خود داری نه نمایند

§ دولت روس من باب اصلاحات مقدونیا مصر است که سه سالار قشون مقدونیا از ایتالیا مقرر شود

✽ مکتوب از انزلی ✽

☞ غره رمضان ☞

پسر وزیر دربار مرحوم که در فرنگستان مشغول تحصیل بود هوجب امر بندگان علیه حضرت اقدس شہ یاری با واپور انگراس بانزلی وارد شده طهران گردید

حضرت اقدس والاشاه شاهزاده اعظم ضد السلطان حکمران کیلان بعد از مراجعت از لاهیجان و سرکشی زراعت چائی آنجا رونق افروز انزلی خواهند گردید زراعت چائی در سمت کوه بایه های لاهیجان شروع به عملیات و خیلی خوب شده عملاً قریب از اقدامات ملوکانه ایران مستغنی از محصول چائی خواهد شد خدا کند روز افزون مات دست بکارهائی زنند که صوم را از احتیاج بخارجه برهاند ذات اقدس شاهانه جدی بلیغ در رفاهیت امالی ایران از هر نوع دارند خاصه این اوقات چون کسی مانع ترقیات ایران نیست امید است ایران گلستان شود اراضی سربرار خانه دانی را که وکیل التجار محصور کرده خواست خانه بسازد بعد از اینکه مرحوم وزیر دیوار فهمید حال دولت است ضبط فرمود در حکومت تازه هم ضبط است تا

اغلتاش زبادی پیش آمده - مانند فتنه (جیلادی) و (نانکانک) که مورث جنگ چین و ژاپون گردیده بود § عهدنامه حکمیت جدیدی بناست بین فرانس و ایتالی چنانچه بین انگلیس و فرانس شده رد و بدل شود § پادشاه ایتالیا به کاندر (گانت) بمناسب خدمتیکه در (درو) از او ظاهر شده نشانی مرحمت فرموده است

(۴ شعبان - ۲۴ دسمبر)

§ روز نامه استمدرد از (توکیو) خبر یافته که پس از آخرین بساحته سماری بین روس و ژاپون دولت ژاپون سفیر خود را در پترسبرگ امر نموده که باعجات تمام در گرفتن جواب از روس اقدام نماید - چه تأخیر در جواب مورث خساره زیاد برای ژاپون میباشد § روز نامه دلی میل میگوید که پس از ملاقات محرمانه امیرالبحرهای ژاپون شش فرود کشتی های جنگی روانه داشته اند

§ در آخرین مجلس شورای وزراء و مدبرین ژاپون این امر تصفیه شده که هرگاه دولت روس مطالب قاعد، ژاپون را جواب ندهد ژاپون مجبور بجنبک خواهد گردید

§ مخبر (روتر) خبر میدهد که وزیر جنگ و وزیر اعظم ژاپون بحرامه ملاقات مفصلی نموده این ملاقات را اخبارات خیلی اهمیت میدهند و چنان تصور مینمایند که دولت ژاپون برای حفظ حقوق خود قشون در (کوریا) گسیل خواهد داشت

§ روسها از نگارش اخبارات انگلیسی در تشویق ژاپون بجنبک روس برآشفته مینویسند که قصد انگلیسان دامن زدن آتش و افروختن نیران جنگ است

§ تاکنون جواب ژاپون از روس نرسیده ولی هر آن تصور رسیدن جواب و انتظار آنرا دارند در حلقه سیاسیون روس چنان شهرت دارد که مناقشه دواتین روس و ژاپون انجام بصلح خواهد شد

§ (کرنل کینه) باده از قشون انگلیسی از (بدوان) تا

شاهنشاهزاده عضدالسلطان حکمران گیلان بشوکت تمام با حوزه حکومت در ظرف این هفته برای سرکشی بانزلی تشریف آورده بعد از اقامت سه چهار روزه مجدداً بمسکن حکمرانی رشت مراجعت فرمودند - در ایام توقف انزلی تمام مرداب رودخانه و دریا را سیاحت و سیر نموده مخصوصاً سوار کشتی ( قزل آغاج ) اداره بجزری قیاف ولی اف شده دو روز سیاحت و گردش مرداب و دریا کردند - ناخدای کشتی حسین بالا فتحعلی اف و سایر اعضای اداره بجزری را هر یک به شالهای ذیقیمت امام و خامت دادند - همچنین دستخطی به ناخدای کشتی مزبور صادر و رضایت خودشان را اشتهار فرموده کپتان کشتی هم بعریضه مخصوص بعرض خدمت پرداخته خود و اداره بجزری قیاف ولی اف را در حق اسلام هموماً و ایران خصوصاً خدمت گذار نمود در واقع همین طور هم هست

تویخانه را کاملاً باز دید فرموده در تعمیر بنای تویخانه جداً مایل اند گویا بدارالخلافت باید اطلاع داده شود - از روشن کار چنین استنباط میشود که هر ظلم و اعتساف بآخر رسیده جمیع حکام عدل و انصاف را شیوه قرار خواهند داد

دیروز وزیر لشکر و مجدالدوله و امجدالملک بمزم زیارت بیتاقلالحرام از طهران وارد و عازم کعبه مقصود شدند جناب مشیرالملک سفیر پترسبورغ تشریف فرمای نزی شده به پتر رفتند

### تقریظ

این ابیات که هر پیش یقی از دانش است اثرخامه ادیب یگانه جناب آقا میرزا آقا تاجر اصفهانی سرحلقه ادبا و فضلاء نجار متخلص به ( مجاهد ) میباشد که بر منظومه صلح دانش که مستقی از تمجید است بعنوان قریض نگاشته شده

( بسمه تعالی )

§ بدفتر (دانش) از آرازه صلح

• ز نوک خانه قهر شیرازه صلح

§ بقرن چارده در هفدهم سال

• های صلح بر هم زد پرو باز

§ خرد را تابشی از نو عیان شد

• جهان پیر از آن تاش جوان شد

§ همان تابش که از روز نخستین

• نهادنش بزنگان نام آئین

§ مجدد باز از طور دل ( چار )

• خدیو روس ساطان جهاندار

§ فروزان گشت و بر آفاق تاید

• ز معنی جانب صورت گزاید

§ ز پشت آینه طوطی جاش

• بآموز سخن سکوی نهانش

§ بهم بر زد شکر آلوده منقار

• که صلح از جنگ به در نزد هشیار

§ چو ما از گلبن وحدت شکفتیم

• بکثرت از چه رو امروز خفتیم

§ چرا جنگ وجدل را درگشادیم

• ز اول از چه حشت کج نهادیم

§ کنون باید بچاره درد کوشیم

• اگر دانا دلیم و حق نبوشیم

§ چو فکر شاه این دیباچه آراست

• دبیری تبرخامه پیش خود خواست

§ بگفتند آن به شطر صلح خامه

• بجمهور دول بنویس نامه

§ که باید دلت صلح آید بمشکوی

• برغم زال جنگ آن دیو بدخوی

§ به آرای شا در استعانت

• مرا واجب فتاد امروز دعوت

§ شا هر یک گزین دارید مردی

• مپی مبری چشیده گرم و سردی

§ وزیر فیلسوف نکته دانی

• سخن سنجی نصیبی خوش زبانی

§ که ایشان در یکی مجلس نشینند

• به پشت و روی کار جنگ بینند •

§ سخن‌ها سخته گویند و باصاف

• بفکر حسن استقبال اخلاف •

§ شوری صالح کل را در گشایند

• زلوح فکر فتنی خوش نمایند •

§ که نام جنگ از عالم شود کم

• چه خاصیت بود در نیش گزدم •

§ دیراین گفته‌ها يك يك برداخت

• تو گفتی مانی از نودفتزی ساخت •

§ بری صلح را با روی چون ماه

• بخوابانید اندر صدر خرگاه •

§ مثال جنگ را با نقش زشتی

• نمود این دوزخی آن يك بهشتی •

§ بکیرا آخشیج از شهوب و آز

• دگر يك با قناعت کشته دمساز •

§ برید این نامها رود و رسانید

• صدای صلح در آفاق پیچید •

§ همه کردند این دعوت اجابت

• بطوع و حکره یا محض رعایت •

§ سپس در پایتخت خاک (فلنگ)

• که دارد طغه‌ها بر ساحل گنگ •

§ یکی فرخنده مجلس رشک مینو

• بیاشد و اندران مجلس ز هر سو •

§ گزیده‌گان علم و فضل و حکمت

• امیری نوم خوی و با مروت •

§ کزین کردند کاندرا گاه کنکاش

• بکار آشتی گوید سخن فاش •

§ ز مشرق بر ببادت آفتابی

• کتاب فضل را فصل الخطابی •

§ سحر بوسید بر سطح کاخ جمشید

• در شب در شهر لاهی نور باشید •

§ بدانش مشطه بزم حکم شد

• نماینده شهنشاه عجم شد •

§ لب عقل نخستین شکر و قد

• دگر ره بیخت در گاه شکرخند •

§ سفیران دول تا آب گشودند

• هوا خواهی صلح از دله نمودند •

§ که پیروزاست و خوش از این سپس فال

• دمبد از مشرق جان صبح اقبال •

§ شر را دوره پیروزی آمد

• بدی شد حوت بهروزی آمد •

§ از این پیش او که از من بسط خواهی

• که چون شد خاتمه مجلس به (لاهی) •

§ حوالت بر در پیر و فلانت

• که از دانش فرستد ارمنانته •

§ امیری کاز مدیح من میر است

• بن شعر استادی توانا است •

§ بخامه رفت نامش سر به پیچید

• که از ذره نشاید وصف خورشید •

§ سفیر بار جشیدی به لاهی

• که صیتش رفته از مه تا پاهی •

§ هر آن طفلی که لب از شیر شوید

• بمهد اول برنس صلح سکوید •

§ چنان چون شد کجا باشد سزاوار

• که بر لب بگذرانم نام سردار •

§ از اینجا بگذرد روز خدمت او

• سخن رانم بفخر دولت او •

§ که در آن مجلس مینوشانه

• هر آن کاز پیش و کم شده دومینه •

§ بنظم آورد اندر هر زبانی

• کاز این بهتر نباشد ارمنانی •

§ نهاده ارمنان داشت علی (گوشه) مقار

• که در آن مجلس مینوشاند ماند پیام •

§ از این خدمت که با نوع شر کرد

• بعالم نام نیک خود سمر کرد

§ سخن دانان بیگانه ز هر سو

• بدو تقریضها گفتند بیکو

§ رقیبان چون بگرد یار گردید

• چرا عشاق چون اعیار گردند

§ بدین نکته اگر خود ژرف بینی

• دو صد معنی تو در یک حرف بینی

§ نهال باغ خود پرورد باید

• که در یوزه ز همسایه نشاید

§ بود آبادی اندر حق شناسی

• خراب افتد وطن از ناسپاسی

§ بدین ره بوی ای مرد وطن دوست

• بگفت اوستاد این شیوه نیکو است

§ جان پیش آنکه اغیارت شود یار

• یار تو شود هم بزم اغیارت

§ شکفتی طفل طبع را نه از یادش

• پس از چندی رفته بند استادش

§ که شکر نعمت داش گذارد

• طریقه حق شناسی در سپارد

§ بی تقریض صلی کبودگاه

• فرستد پیش دستور یگانه

§ که دستوری ندارد شیخ شیراز

• که دستور سخن پیشش کند ساز

§ چون از فصل نمیشاند صیبه

• درخت خشک بارش نیست زین به

§ امید آنست کان اصل محامد

• بخشاید بزلات (مجموعه)

§ به پشت ارمغان تقریض ناچیز

• نویسد که وا ماند ز من نیز

§ بعالم شهرت بدانش برستی

• پندمی گیردا نام ز پستی

§ که خور از نوربانی هست ناچار

• سخن کوفه کنم گر رفت بسیار

§ ز هجرت یک هزار وسیاسد و بیست

• فزون گردند بجز از هشت ماه نیست

§ که شد طوطی طبع در تراه

• وز این سان زد بواقی دوستانه

• پنجم شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۲۱

### — لطف استبداد —

جناب علاءالدوله پس از آن واقعاتیکه لابد شنیده و تکرارش مناسب نیست - سه چهار روز بعد از حرکت فرما فرمای هند از خلیج فارس در بهمن مهطل شده چون معز الممالک بواسطه سوء سلوک اعضای ایالت فارس از دشتی و دشتستان استعفا داده بود و چند مجلس بیانات تهدید آمیز دادند که املاک را خراب و نهمت و افتراء جنین و چنان میزنیم و رعایا را غارت میکنیم که شاید کار دشتستان را قبول نماید زیرا باره رفته مجبور شد حساب چند ماهه را فریغ و عمل دشتستان را با معز الممالک تصفیه و صبح نوزدم از بهمن به سمت شیراز حرکت کردند - منزل اول که (گورک) و جزء تنگستان و چهار فرسخی بوشهر است طی نموده در حقیقت برای اهل بوشهر عیدی سترک و معنی بزرگ بود که دفع متاعی این نفوس محترمه رجال متمدنه از آنها گردید فردای آنروز که بیستم رمضان بود سه ساعت از روز گذشته علی الغله جناب علاءالدوله با چند سوار نمانان شد که ما و ورینی خاص دارم و باید با کشتی مظفری به بصره بروم در چهار برج منزل سالار معظم وارد در حالتیکه جز یک آبدار و چند سوار هیچ همراه نداشتند رقمه بمسیو (وامبرن) رئیس گورک نوشته که جهاز مظفری را حاضر میکنید تا بصره باید بروم - مدبر گورک اول بطفره و تعامل گذرانید سپس دید سخن دارند حکم دولت را از ایشان خواست که تا اجازه دولت نباشد نمیتوانم جهاز را داد - جناب علاءالدوله هر قدر خواست بسختی آنها را راضی نماید نپذیرفتند -

تأیید دو ساعت از شب گذشته رسماً نوشتند یا حکم دولت ارائه نمایند یا از خیال کشتی دولتی منصرف باشید. پس از آنکه آیوس شدند چهار ساعت گذشته از شب بیست و یکم مراجعت کرده که بار دو و نیمه خودشان در اهرام که هشت فرسخی بوشهر است ملحق شوند ای حرکت را اهالی بوشهر بغیر اراده یا از روی بخودی تصور نموده. میگویند اگر امر مهم دولتی بود یا ارائه حکم می نمود با اگر منتفی نبود حکم خود را ارائه دهد فوراً بطهران تلگراف میکرد که جهاز را بدهند و حکم میخواستند حکم کاید جهاز را تسلیم کنند نه اینکه خدمت مهم دولتی را معوق گذاشته مساوت شود و اگر هم خدمت مهمی نبود این مساوتی واقع که اسباب هزار حرف شده چه معنی داشت

دولت عالیة ایران محض کمال اهمیتی که به نظم قشون دارد حقوق قشون مأموره فارس را جو خرواری هشت تومان و گندم خرواری هشت تومان مرحت کرده. با اینکه ایالت فارس گندم خرواری پنج تومان و جو خرواری سه تومان میدهد باز هم قشون در کمال پریشانی و بافراض مجبور بعملی و گدائی درب خانه ها هستند دوست نفر سرباز بخسه بیوشهر آمده بود و عمارت بهمنی از کرسنگی و بد بختی شوریده چهارده نفر آنها را شبانه تازیانه زدند و هزار زحمت این افضاح در همسایگی تلگرافخانه دولت انگلیس ساکت شدن همه این مراتب را نتیجه واطف استبداد که در عامه ایرانیان حکم طبیعت ثانی را پیدا کرده میدانم و تا رفع استبداد نمود این نقائص دفع نتواند شد

مکتوب از اسلامبول

جذب انرف پرنس میرزا رضا خان دانش سال اول اقامت خود در اسلامبول بسمت سفیر کبری ملاحظه کردند که اغلام معتبرین تبه دولت علیه ایران که بسنارت کبری می آیند، انتخاضی هستند که در بین صحبت اظهارات آن لایبی نویسنده حرکت در خرابی

مینایند

برای تسلیت خاطر آنها سفیر کبیر معزی الیه دو بیست بیت انشاء نموده به هموطنان خود حالی کردند که موافق قوانین طبی و حکمت شصت و هفتاد سال هنوز اواسط عمر طبیعی است و عمر طبیعی آنها یکصد و بیست و پنج سال است منظور عمده از انتشار این ایات آن بود که بمعمرین عالم اهدی نمایند

در ممالک ایران و عثمانی این منظومه را نه تنها برای معمرین بلکه برای اطفال هم خالی از فایده ندیدند - زیرا علاوه بر اینکه مشتمل بر بسیاری از اصول تهذیب اخلاق است. دارای مسائل عمده حفظ الصحه نیز میباشد و باین واسطه فضیلتی این دو ممالک تدریس و تعالیم این رساله را در تمام مکاتب توصیه مینمایند

امید واریم صلاحدید اشخاص دانشمند بزرگ بی ثمر نماند و این رساله جنید که بنام تمام افراد بهر ختم شده نتیجه مأموله را به بخشد

اعلیحضرت اقدس مظفرالدین شاه از روی کمال مرحمت مسرت خاطر هایون خود را به سفیر کبیر معزی الیه در مقابل این اثر که با آثار کثیره سابقه مصنف علاوه شده اظهار فرموده اند

وقتی که رساله مزبور باعلیحضرت اقدس هایونی تقدیم شد صفحه اول آن با دستخط مبارک بعنوان ذیل مزین گردید

این اشعار پرنس ارفع الدوله بسیار خوب است و در نظم آن زحمت کشیده است

اعلیحضرت اقدس هایونی در مکتوب جنکی که مخصوص ثبت اشعاری است که پسند خاطر هایونی میشود امر و مقرر فرمودند همین اشعار نیز در آنجا نوشته و در آخر آن بقلم معجز شیم مبارک باینطور دستخط فرمودند

(این اشعار از پرنس ارفع الدوله است که در اوشان بمرحمت رسید و بفرمودیم قدر این جنگ بنویسند)

تقرظ

او خاتمه جناب مستطاب حاجی زین العابدین آقا  
مراغه که از فضلاء نهار اسلامبول است بر متوی عمر  
طیبی که زاده طبع حکیمانه جناب اشرف پرس ارفع  
الدوله سردار سفیر کبیر دولت عایه ایون در اسلامبول  
دام اقباله العالی میباشند

دیروز وارد منزل یکی از احبابا شده دیدم قلم  
بدست گرفته ضریق بحر تفکر است - سؤال از حیرتش  
نموده جواب داد که خیال دارم تعرف باین مثنوی که  
زاده طبع سلیمانه و حکیمانه ندگان حضرت اجل اکرم  
اشرف انجم آقای ارفع الدوله پرس میرارضاخان دامت  
شوکت المتعالی است که در حقیقت عمر طیبی انسانی  
پرشته نظم کشیده اند بنویسم - کتاب را بدستم داده و  
گفت تو هم مطالعه و مشاهده نموده چند سحفی از  
روی الصاف بقلم آر که در این افتخار با من شریک  
باشی - کتاب را من البدو الی الحتم بنظر در آورده  
دیدم الحق کنجیست شایگان بر از سرورید غلطان و  
یا قوت و مرجان بی اختیار گفتم ( هذا کتاب حوی  
من افصح الکلم ) حقیقتاً تا این زمان در چنین اسلوب  
انظم مرغوب مفرح القلوب ادبای متقدمین و متأخرین  
را بقلم نیامده بلکه چنان مطلب بکر که مفساد آن بحال  
حاشا بنی نوع کافع باشد از ضمیرشان خطور نکرده -

دقیقهای معانی در لباس حروف

جو درسیاهی شب خوشهای پروین است

بنیای تاسر آن یک یک تأمل کن

بین چگونه همه نغمه و خوب آئین است

الصفا کلمات حکمت آمیز او دلهای خفته را بیدار  
که عبارات دل لعلش تن افزوده را هشیار و فقرات  
مضامین طرح بخشش دیدگان رمد دیده را انوار میداند  
هر صفحه - یعنی بود بر از الاله احر - و هر خطی  
شانی محلو از نظر سطرش ریاضی با برک و بر  
زین بخشش استریم قیب را حک  
سختی استریم استریم استریم

سخن بسایه قدرش نمیرسد وره

بقدر قوت و قدرش نمیکم تقصیر

این بی بصاعت را کی رسد که ادم خیال رادر  
این عرصه بحولان آرد که اسان گویا در مدحش ابکم  
است و زبان قلم الکر -

چشم زمانه چون به نظر مثل تو بدید

ای گشته در فصاحت سبحان روزگار

القصه ختك خیال را در میدان توصیف بنك و  
بو آوردم که بجه عبارت و بیان سخن رانم و بجه سان  
كلك بجنبانم که از مثل این بنده برنیاید و بلکه نمرش  
بار خجلت آرد عرصه سیمرخ جولانکه صموه طاحز  
بیست -

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد بگزاف

در اینجا سخن است و ستایش سخن را با سخن  
باید کردن - مرتبه سخن از آن بالا تر است که هر  
بی عرفان ازرنه و شأن سخن سخن سراید - و لاشه  
خود را در میدان راند - و گوهر سخن نه چنان گرانها  
است که هر صراف بیوقوف آنرا قیمت آرد - و قیمت  
آنرا گوهری با وقوف کاردان داند - سخن است که  
ویرانه جور را آبادان و آبادی ظلم را ویران سازد  
سخن است که شوره زار کفر را بکلمات طیبه گلستان  
ناید و گلستان ایمان را بکلمه خزان و پریشان کند -  
سخن جنگ آورد و سخن صلح و مسالمت پرورد -

در هدی نهکشاید مگر کاید سخن

سخن شریفتر و بهتر است سوی حکیم

اگر هزاران تخمه پر بها نزد ملوک فرستند و سخن  
حاملش نباشد مردود و بیوقع است - و مقبول درگاه  
سلاطین نباشد - فضیلت فصلا از سخن است شرف و  
بزرگواری بقریب علما بدرگاه خدا از فضیلت سخن  
است - سخن است که نام نیکان در جهان بیادگار  
گنارند و بذکر خیر مردم آرد

گر بهی گوهری و رای سخن

آن هرود آمدی بجای سخن

آزاده پروری که زبان در لسان نهاد  
در کلام در سدف هر دندان نهاد  
جان را ز لطف عذب غذای لطیف داد  
دل را مفرحی ز سخن در میان نهاد

( من عذب لسانه صکر خوانه - بلاء الانسان  
فی لسانه ) دشمنی و دوستی مرد از سخن است . معذالك  
سحن عالی مقام را آنوقت قیمت عیان گردد و قدر  
افزاید که از قلم يك شاعر ارباب ترشح نماید و از زبان  
يك فاضل لیبب بیرون آید . چنانچه حضرت اشرف ارفع  
جناب سفارینهای مدظله العالی سحن را در لباس سخن  
با لباس سخن شناسی در منظومات و منشورات داد  
سخنوری با کمال فصاحت و بلاغت داده اند . و در  
معنی لطیف در لف و نشر مرتب و غیر مرتب سفته  
و در ظاهر ساده و در باطن با لطافت و اندازه از سجع  
و وزن و قافیه چیزی فرو نگذاشته . عبارتش موزون  
و کلماتش بسان در مکنون . از فضایل بلاغت مشحون  
چا دارد که سخن محضرتش بیابد و جنباش بر سخن  
بنازد . و در حقیقت حضرت اشرف پونس دانش خود  
را گوش زد قاطبه ادبای مال فرموده و کسی را این  
موفقیته حاصل نگشته و در اندک وقت بدین سرعت  
کلام هیچ فاضل لیبب دور عالم نه پیوده . فصیحای عرب  
و عجم از طرز سخنش حیران و بلغای ترک و تاجیک  
انگفت بدمان

طی مکان بین و زمان در سلوک شعر

کاین طفل یکشنبه ره صد ساله می رود

فضولی علیه الرحمه خوب گفته

غزل دور صفا بخش اهل نظر

غزل دور کل بوستان هنر

غزل بلذره شاعرون قدر تن

غزل آرتور ناظمون شهر تن

از آنجاییکه ارباب معرفت و اعیان و اصحاب

فطنت و خردگان در زلات هیچکس نخورده نگیرند از

خطا و مغضوات چشم پوشند از دوست مشفق مهربان

از نوشتن توصیف و تعریف معذرت خواستم ( المدح  
فی حقه قدح ) چون عذر شفیع جمیع قصور است این  
دو بیت را از قافی دلیل عذر تقصیر خوانده ختم  
می نمایم

قلم هر چه در دست بتوان گرفتن

ورق هر چه بر نوشتن مناسب

بدیوان فضلت نیارند کردن

نه حصر محامد نه حد مناقب

چون عده منظور از تسوید دعا گوئی و ساجوئی  
است خداوند عالم این امیر یگانه و ادیب فرزانه رادر  
حفظ و حراست خود محفوظ فرموده دایماً بر عزت  
و شوکتش بیفزاید . الحق اشتهار دانش و فضیلت این  
بزرگوار در شرف و عزت باعث افتخار ما ایرانیان  
است حنتمالی توفیق خود را رفیق فرموده آثار تألیفات  
پیدری آنجناب مستطاب را گوش زد خاص و عام فرماید

دوات جاوید یافت هر که نکو نام زیست

گر عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

حکر باند نام نیک از آدمی

به کار او ماند سرای زر نیگار

بالله التوفیق الملك المتان

امضای - اقل زین العابدین مراغه

مکتوب از بوشهر

( ۲۱ رمضان سنه ۱۳۲۱ )

بعد از حرکت کشتی جناب لارد کروزن از بندرگاه

بوشهر سفارت انگلیس مقیم طهران دیدن از

فرمانفرمای قارس در عمارت بهمنی ملک التجار که يك

فرصتی بوشهر است کرده فرمانفرما هم به بالپوز خانه

باز دید کرد . کذاک با جناب سالار معظم دید و پانز دید

نهمه دو روز بعد از طریق همره و بغداد به شهر آ

طهران شدند . فرمانفرمای قارس حکیم متبرک باینطو

دشتستان را که بجناب میرالمالک نا

اول سال مله بود افتخار ارفع الدوله است که در اوشان

استغفا کرده و به تمیبه فرمودیم در این جنگ بنویسند

ایالت فارس مرحت شد - عمل مالیات دشتی و دشتستان را شخصاً علاءالدوله باخوانین منظم کرده - ضارم السلطان را گذاشت که تا نوروز در انتظامات دشتستان سعی باشد

صبح چهارشنبه ۱۹ سهام السلطان رئیس قشون فارس که فرزند ارجمند علاءالدوله میباشد با معدودی اردو از طریق معمول شاهی که کازرون است روانه شیراز و خود علاءالدوله باجهی دیگر از طریق تنکستان روانه که از راه فیروز آباد که کوه و کتل کمتر است وارد شیراز شوند

سالار معظم و جهی دیگر بمشایمت ایشان مقداری راه رفته مراجعت فرمودند - روز پنجشنبه ۲۰ یک ساعت قبل از ظهر علاءالدوله یانزده نفر سوار معاودت در چهار برج رفته فوری خبر کرد که جهاز دواق را آتش و حاضر میکنند که روانه محره و بصره و کربلا هستند - چون اذن از طهران نبود در حاضر کردن جهاز تأمل و تعطیل شد - ایشانم دو ساعت از شب جمعه (۲۱) گذشته سوار شده مراجعت باردوی خود کردند

آنچه افواهاست این حرکت علاءالدوله را جهت این بود که ایالت فارس به حضرت اشرف شاهنشاهزاده شجاع السلطه مرحت شده ایشان خواستند از طرف کربلا و بغداد بروند طهران - بعد که معطلی جهاز پیش آمد مراجعت نموده که بروند شیراز تا صدق و کذب مطالب معلوم شود - وطن غالب این است که ایالت فارس با حضرت اشرف شاهنشاهزاده اعظم شجاع السلطه باشد -

در واقع انتظام هر دو بزرگوار حکومت فارس خوبست - و در این دو حکومت اشرف انزوا اختیار کرده - مردم مرغه الحال در مهرب آسایش بودند - مضامین پیوسته که هست به بعضی بزرگان تلخ میگردد چه در هر صفحه - که مت شجاع السلطه و بلوی و قطعی فارس از شاهی مملو از بیخبرت یافت - و اگر هم صدق تسلیم زنی بیخبرت لیسرت بود - و الا کسی را قدرت حقش آید آید

سریچی از امر ولی نعمت زاده نبود - مگر بالش نرمی زیر سر داشته باشد - حال که آنسو شکست و آن پیمانه ریخت - یقین است به بررگان ولو قصور بهم کرده باشند لظرف عفو و اعراض خراخرا فرود و خلی بهتر از گذشته با بزرگان مرحت خواهد شد - چه حکما گفته اند دعوت لذت است که در انتام نیست (اقم ج)

مکتوب یکی از فضلاء

از شماره شانزدهم

اما تشکر علای اعلام و حجاج اسلام آنستکه در جمیع امور ماکداری و رعیت نوازی و سایر مواد مذکوره و غیر مذکوره معاضد و همدست و همراهی و همراز و مشیر و خیرخواه پادشاه اسلام پناه باشند که معصوم فرموده (الصیحة لعامة المسلمين) یکی از تکالیف شرعیة ایشان صیحت پادشاه اسلامست و بسی و کوشش حکیمانه بر رفع نواقص و خرابیهای ملک و ملت دستیاری پادشاه حجاب اقدام فرمایند و بوضع قوانین شرع متین عباد و بلاد را از جور و ظلم و تعدی ظلمه و ستمگاران محفوظ دارند - و در تأیید و تسدید پادشاه و نشیید مملکت دقیقه فرو نگذارند - لکن بشرط اینکه نخدمت گرگان ملبس بلباس میش یعنی کسانیکه لباس شرع در بر - و از دینداری و حداشناسی بچهرند از میان برداشته تا مایه اختلال و پریشانی ملک و ملت نشوند - و گندم از جو همیز جدا شود - و گرنه هرگز اصلاح امور ممکن نیست - زیرا کسانیکه شریعت منوره را بازیچه و مایه دکاداری و مردم آزاری و فراهمی اسباب تمیض و حکامراتی خود نموده و بفریب و دغا و مکر و سالوس و تزویر عوام بچاره را تسخیر و بنام اجازه که از اساطین دین مین بتدبیر و اغفال گرفته در دست دارند - خود را در عداد مجتهدین و نواب حضرت خاتم النبیین صلوات الله علیه در آورده بمجردیکه بچاره مرتکب امر شرعی که خلاف رأی ایشان است شد فوراً فریاد و اسلامه و اشربتاه بلند بتفسیق و تکفیر مسلمانان دیندار خداشناس میردازند - و خون

و مال و عرضشان را حذر میسازند - کارشان خوردن  
حال اراکل و ایام و احتکار و همشان تن آسانی و  
شهوت رانی است

پس همان بهتر که درجه علم و عمل و دیانت هر  
کس معلوم باشد تا بچاره عوام بدام تزویر و شیدا بالسه  
انسان مانع بیساده مقصدین بیدین قادر بر زیاده روی  
و فزون طای نباشد - و از گایم خود وحد خویش  
تجاوز نماید - و هرگاه بای ازجاده اعتدال بیرون نهادند  
بسزای خود برسد - و این کار را بجز حجج اسلام  
مد ظلالهم علی رؤس الانام کسی انجام نتواند داد - باین  
طریق که اول حضرات علمای اعلام دیندار باورع و  
پرهیزگار ایران را انتخاب فرموده تأکیدات اکیده باهل  
دین و پیروان شریعت سید المرسلین صلی الله علیه و آله  
الطاهرین فرماید که متابعت و پیروی ایشان را فرض  
عین دانسته از احکامشان تخلف روا ندارد - و دیگران  
را که جز عبا و عصا و تحت الحنک نشانه از علم ندارند  
و وسیله علم و شریعت بر جان و مال مسلمانان مساط  
و برای آسایش خود مرتکب کارهای ناهنجار و اعمال  
غیر مشروع میشوند با کمال زجر و توبیخ از مداخله  
در امور حلق و تمسک زبانی بشرع منع فرموده  
عباد را از متابعت و همراهی ایشان محاملت فرمایند  
تا پیش از این مایه اختلاف و نفاق مابین دولت و  
ملت نشوند - و خرابی و تباهی بار نیاورند و هرکس  
از علما و طلاب عتبات طالبات اراده سفر ایران نمایند -  
و مستحق اجازه باشند - باندازه علم و پایه تقوایشان  
اجازه داده مجاز - و در اجازات از انحراف پرهیز  
فرمایند - تا هرکس قدر و منزلت خود را دانسته زیاد  
روی نتواند کرد - چون چنین شود البته دست متقلین  
از دامان شرع اطهر و متشرعین کوتاه و حضرات  
مقدسه علمای اعلام کما هو حقه بشکالیف شرعی خود  
که ترویج و تشبیه دین مبین و تأیید و تسدید اسلام  
و مسلمین است عمل فرموده - ملت و دولت با نفاق و  
اتحاد کرائیده بدون مناقعه و اختلاف سعادت دین و

دنیا نایل و از مهالك و مخاوف نجات خواهند یافت  
اما شکر گذاری وزرا و امرا آستکه اول در  
احوال و ایافت خود غور و تأمل نموده به پیتند آیا  
مستحق منصبی که دارند هستند یا نه؟ اگر نیستند با کمال  
سی و کوشش خود را لایق و قابل آن منصب جایله  
نمایند - و اگر ایافت دارند بوظیفه منصبی خود که ادای  
شکر و لیلنعمت حقیقی جات عظمت است قیام نموده بندگان  
زیر دست او را رعایت و بقوانین وی که بر پیغمبرش  
صلی الله علیه و آله نازل شده - رفتار و انحراف از  
آنرا جایز ندانسته - بمراسم تمک حلالی و خیر خولعی  
و اطاعت او امر و نوامی حضرت ظل الاهی که منم  
مجازی است رفتار - رعیت و مملکتش را که بمنزله  
خزانه است خورسند و آباد - نیاد ظلم و بیداد را از  
بیخ بر آورده - نفاق و شقاق را از میان برداشته متفقاً  
و متحداً یکدل و یک زبان با عقول مستقیمه و تدابیر  
صایبه پس از مشورت و رای خردمندان شاه برستی و  
دولتخواهی و ملکداری و ملت نوازی قیام کرده - رفع  
نقایص و ناتامیهای ملک و ملت را نموده رضای حضرت  
آفریدگار هنر اسمه و اطاعت پادشاه تاحدارولا وجهه  
همت ساخته با بادی مملکت و قطع دست ظالمین داخلی  
و خارجی از ملک و ملت نموده در اجرا و اقیاد اوامر  
قانون شریعت غمراه سی بلیغ داشته از جان و مال در  
راه دین و دولت دریغ ندارند (باقی دارد)

### مکتوب از مصر

ای شفقار پرواز فرما فرماتقی - ای طرلان طایر ملک  
حکم رانی و دارائی - که طایر دولت گرفتار سرخیه  
وقارت باد - یکی از برآرندگان تاج و تخت برتری - وصف  
آرایان مرکه دولت و رعیت پروری - که قامت استعدادش  
از زیور تشریف فاخره ریاست و فرماتفرماتقی بعضی  
از مرستان آراستگی داشت - روزی در ایوان  
بذل حلوس نموده اولیای دولت قاهره -  
باهره هرکس بجای خود متمسک  
پادشاه خجسته رای -  
(مکتوب از مصر در این جنگ بنویسند)

کوچک نوازی و رعایت بر چهره عموم رعایا و برایا  
 گشوده از بیم تیغ آبدار و قوت بازوی کشور کشایش  
 میل عنیف را مجال آن نبود که مور ضعیف را کج  
 نکرد. و بحال شیردمان اندیشه تسلط بحجیر ناتوان گذرد.  
 اگر کسی بی اجازت قهرمان اختیارش بگلزاری داخل  
 گردیدی شهنه گان در دولت سرای بنفش شمشیر به تنبیه  
 پای حرکتش را قطع نمودندی. و اگر بحر از دیده  
 حباب بزورق خیره نگریستی ملا حان دریای حفظش  
 از نوکسنان موج چشمش را در آوردندی. در آنروز  
 چون وزیر اعظم رای صیانتش از نگارش ارقام  
 دیوان عدل و داد باز پرداخته خوان سالاران سفره ناز  
 و نیم مانند بساط سپهر گسترده. قلهای مطبوعات  
 الوانرا چون کواکب رخشان جا بجا ترتیب دادند. شهریار  
 هر لقمه که از آن اطعمه تناول مینمود ناگوار طبع  
 لطیفش افتاده بهر طعامی دست رسانیدی شبهه بخاطرش  
 میرسید. و مطلقا احساس طعم لقمه و لذت نمینمود  
 بخندانکه بمصالح و اصلاح آنها نگریستی بحسب ظاهر  
 نفس و عیبی بنظرش در نمی آمد.  
 از آنجا که کمال هوشمندی شهریار بود با خود  
 اندیشید که این معنی خالی از سر نیست. چون سفره  
 برچیده شد و اجزای مجلس متفرق گردیدند سالار  
 مطبخ را طلبیده فرمود که ازین اسباب اطعمه امروز  
 چه چیز ابداع شده. غفوان سالار عرض کرد همه در  
 سرکار آماده و مهیا بود چیزی خرید نشده. هر چند  
 شهریار مبالغه فرمود همین را شنود. لحظه دیگر شهریار  
 یکی از مطبخیان را طلبیده اعضای امید او را از  
 روغن و عسل انعام و شفقت چرب و نرم ساخته حقیقت  
 را از او سؤال نمود. مطبخی گفت از قدر معین عنبر که  
 هر روز داخل آتش خاضه خداوند میشد. نیم دانگ کم.  
 از جای دیگر میسر نگردید.  
 شایع علو از آن است سکه قدری عنبر باو گان  
 زمین بخت بلو داده نیم دانگ عنبر  
 مطبخی گفت این را بفرموده شهریار  
 این را بفرموده شهریار

بر سیاست سالار مطبخ نمود  
 یکی از محرمان باخبر از این ماجرا شده خود را بخدمت  
 شهریار رسانیده گفت. ایها الامیر تنبیه بقدر تقصیر مقتضای  
 عدالت است. نیم دانگ عنبر با وجود آنکه قیمت نیز  
 داده اند. قابلیت آن ندارد که شخصی را که همی  
 در سایه مرحمت تربیت فرموده باشند و در این دو دمان  
 بحسن خدمت و خلوص عقیدت ممتاز باشد بقتل رسانند.  
 شهریار گفت خدم و چاکر شایسته آنرا گویند که در  
 تحصیل دولت خواهی و نیک نامی مخدوم خود سر  
 نه بیچند. هرگاه قدم اخلاص از دایره متابعت بیرون  
 گذارد و بخلاف طبع ولی نعمت جرأت و دلیری نماید  
 موافق قاعده هر ملک و مذهبی ریختن خون او واجب باشد  
 ز حکم صاحب خود بنده که سر بیچند  
 نکند نیست ز با نخل زندگانی او  
 فرزندی که خال رسان نظام ملک و مخرب بنیان  
 رفاهیت رعیت باشد هر آینه بنابر مصالحهای ملک داری  
 و آسوده گی خلق تنبیه او از جمله واجبات بود. اگر  
 امروز سیاست سالار مطبخ نظر بر سهل انگاری  
 بتعویق افتد. از آنجا که اندک امری را به بسیاران  
 اتصال میباشد. دیگری را بر آن طمع اشارت نموده که  
 مصدر تعدی زیاده از این شود. رفته رفته آتش بدعت  
 در کانون خاطر مفسدین چنان مشتعل گردد که ما یعرف  
 محیط در اطفای آن نتواند پرداخت. شهریار وصاحب  
 حکم در ملک یک کس باید. پس اگر هر کس را بمقتضای  
 ظهور قوت و قدرت آنچه بخاطر رصد بتقدیم رساند  
 و بیم باز خواست حاکم و فرمانفرما بجهت بر اعتدالی او را  
 نتابد ظلهای فاحش حادث گردد. و هیچ کس  
 مالک حال و سیرت و مال خود نتواند بود.  
 کل چینان ریاض ریاست که بزالال سرچشمه نظام و  
 قانون سلطنت. گذار مروت را سیراب میساخته اند بمحض  
 ظهور اندک بی ادبی فرزندان خود تنبیهات و باز  
 خواستهای عظیمه مینمودند. تا بیگانگان و سایر اقویا  
 را رغبت باحدث حیرت نکردند (ع - ک - م)

مکتوب از اسلامبول

۲ رمضان ۱۳۲۱

روز جمعه (۱۵) شعبان سنه (۱۳۲۱) که مصادف با یوم ولادت با سعادت اعلی حضرت قوی شوکت سلطان عظیم الشان عثمانی، خلد الله له، و علی الرسم منراء، مقیم دربار عثمانی برای تبریک میبایست بسرای سلطانی بروند جناب مستعالیاب اشرف برس ارفع الدوله سردار - سفر کبیر دولت عالی ایران با اتفاق برادر خود شان جناب جلالآباد آقا میرزا علی اصغر خان (بقاء السلطنه) وکیل سیاسی و جنرال قوسول حمید دولت عالی در قاهره تشریف فرمای - الاماق شده بعد از ختام رسم سلاماق بسرای سلطانی رفته بحضور اعلی حضرت سلطان مشرف گشته پس از عرض تهنیت و اقبای مراسم تبریک جناب بقاء السلطنه را در حضور سلطان معرفی نمودند - اعلی حضرت سلطانی بشخصه چند قدم بطرف بقاء السلطنه تشریف فرما شده بعد از التفات ملوکانه و تفقدات خسروانه فرمودند مخصوصاً در حین ملاقات با والا حضرت خدیو مصر سلام مرا تبایغ نماید - بعد از اذن مرخصی از حضور سلطان اراده سنیه شرف صدور یافت که به یکقطعه نشان درجه اول مجیدی با حایل مخصوص آن معزی الیه را قرین اقتضای فرمایند - بقاء السلطنه تا اواخر رمضان المبارک عازم مصر و محل مأموریت خودشان خواهند شد

مکتوب

( جناب مؤیدالاسلام - ایدالله تعالی ) در نامه مقدس نمرة ( ۱۲ ) صفحه ( ۴ ) در مکتوب بصره اشاره از سوء رفتار و سلوک کارگذار دولت علیه ایران بابت دولت ابد مدت ثبت بود - اگرچه مطلب نازده نیست لکن آتش بجمام افروخت - زیرا که بیاد آمد وضع سلوک و رفتار مأمورین خارجه ایران با تبعه و رعایای بیچاره بمصداق ( نه در غربت دلم شاد و نه میلی در وطن دارم ) نمیدانم چه گناهی از این ایرانیان بینوا سرزده که در هیچ جا و هیچ حالت

آورده و خورسند باید بماند - از وطن و اهل و عیال و خویش و اقربا و خانه و لایه و ما بملک خود دست برداشته بامید یکچشم خواب راحت بمالک خارجه سفر میکنند - آنها از جور و تعدی مأمور دولتشان که از برای سر برقی و دادرسی و رفع تعدی و اجحاف اجنب از ایشان فرستاده شده میسر نیست - آخر این مأمورین با ایمان ملاحظه نمیکنند که سایر مأمورین دول خارجه چه نحو در حفظ شئون و بزرگی دولت متبوعه و حمایت رعایای خود که در ممالک اجنبیه هستند جانفشانی میکنند و به تن و جان در رفع ظلم و تعدی از تبعه دولتشان که سپرده بایشان است کوشانند - بلکه آنچه پوشیده و عیان دیده ایم تبعه و رعایای دول سایره در بلاد خود هیچ عزت و آبروی نزد دولت متبوعه خود ندارند - اما چون بلاد خارجه سفر کنند مأمور سیاسی دولتشان هزار درجه از پدر مهربانتر با آنها سلوک میکنند و همه تن آماده است که رفع تعدی دیگرانرا از او بنماید - گاهی شده که دولتی بجهت حفظ دو چهار نفر از تبعه خود در خارجه کرده خرج کرده و جنگهای سخت نموده - اینست طریقه رعیت پروری و دولتخواهی - آیا این نمک حرامان خائنین دولت و ملت گنیم میکنند کسی بر معایب و قبایح افعال و اطوار شان مطلع نمیشود یا میتواند زبان خاق و قلم وقایع نگاران و خامه اخبار نویسان را به بندد ؟ میات این گمان غلط و خطا و پیورشید بگل اندودن است - اگر اخبارات ملی قدسی و داخله بعضی ملاحظات قلم را از نگارش بازداشته خواهموش نشینند اخبارات السنه خارجه که شب و روز در پی عیب جوئی و نکته جویی بردولت و ملتند با هزارها شد و مددک را بده جلوه داده خواهند نوشت و دولت را بدنام و مطعون تمام عالم خواهند کرد - ولی ایفوس ... هرچه بکنند نمیشکستند ...

وای بوقتی که ...  
 آب از سر ...  
 از این ایرانیان بینوا سرزده که در هیچ جا و هیچ حالت